



نگاه به گذشته امید به فردا

## مرد قرن بیست و یک

گفت و گو با محسن نصری

در ابتدا بفرمایید، چه مشخصه یا عاملی در انقلاب دیدید که شما را در سنین نوجوانی به خود جذب کرد؟

انقلاب که شروع شد، شاگرد کلاس پنجم در مدرسه ارشاد بودم. حوادث انقلاب به خوبی در ذهنم حک شده است، به خصوص حادثه پنجم رمضان سال ۵۷ و شهادت جمعی از هم‌شهریان‌مان در منزل آیت‌الله خادمی، چون نزدیک منزل ایشان زندگی می‌کردیم. آن شب تا صبح، صدای تیراندازی می‌آمد و رفت و آمد در کوچه‌ها و محله‌ها زیاد بود. بعضی وقت‌ها به اتفاق مردمی که در راه‌پیمایی‌ها شرکت می‌کردند، مسیری طولانی را پای پیاده، از فروغی تا تخت فولاد (گلستان شهدای فعلی) و مسجد مصلی، که الان در حال احداث آن هستند، برای برپایی نماز جماعت می‌رفتیم و برمی‌گشتیم. محل تجمع مردم در خیابان فروغی، مسجد «المعاد» بود. من چون بازده سال بیش‌تر نداشتم، به‌همراه برادرم که یک سال بزرگ‌تر از من بود، یا دایی و یا پدرم، در این تجمعات شرکت می‌کردم. یادم می‌آید روز ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷، که شاه فرار کرد و روزنامه‌ها تیتیر «شاه رفت» را زدند، من با برادرم دو طرف جمله «شاه رفت» روزنامه را پرانتز باز کردیم و داخل آن نوشتیم «در» و به دیوار مسجد «المعاد» نصب کردیم. تا چند سال پیش هم این روزنامه را داشتم. ما در این حد در

کامل، این تکلیف سنگین خود را به‌خوبی ادا کرد؛ اما پایان جنگ با پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ نیز در نظر ایشان، استمرار همان وظیفه‌شناسی و تکلیف‌گرایی است و لذا هر کس که در این مسیر، ذره‌ای دچار تردید شده بود، با اعتقاد و اعتماد به رعایت این اصول اساسی یعنی توجه به رضایت حق‌تعالی و احساس تعهد و وظیفه‌شناسی آن حضرت برای اطاعت از فرامین رهبری نظام احساس تکلیف کرد و این کلام و بیان ایشان، در حقیقت تسلی خاطر رنجیده و مجروح‌شان شد که فرمودند: «ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطع‌نامه دید و گردن نهاد، باز هم به وظیفه خود عمل کرده است... همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم؛ نه مأمور به نتیجه»<sup>۱۶</sup>

کنار گذاشتن قائم‌مقام رهبری:

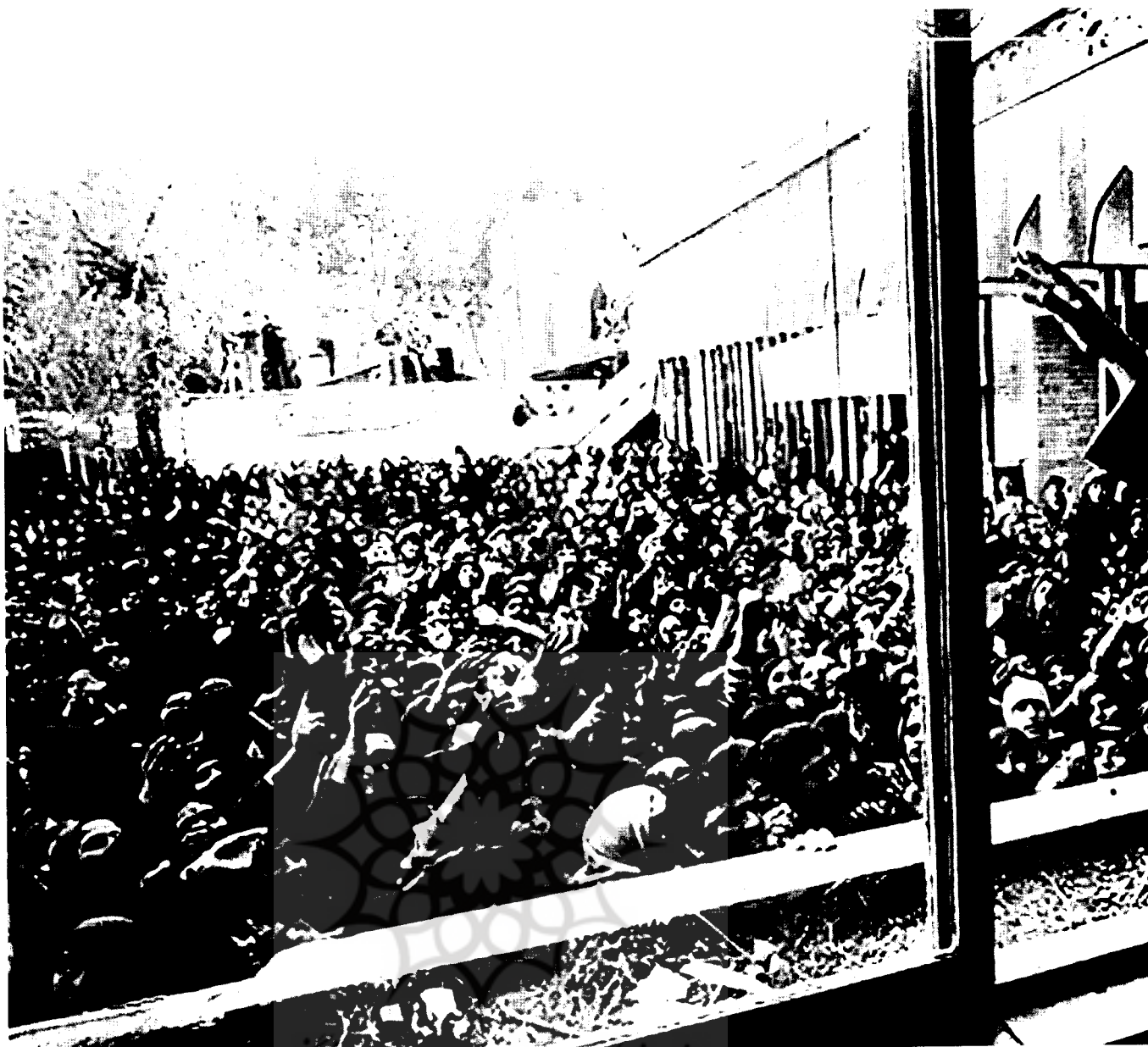
امام<sup>۱۷</sup> برای مدیریت تحولات سیاسی-اجتماعی در تمامی مسائلی که به میان رفت و آن چه البته در حوصله این مقاله نمی‌گنجید، بر اساس رضایت خداوند متعال و ادای وظیفه و تکلیف الهی عمل فرمودند و اگر چه در شرایطی سخت و دشوار نیز این احساس وظیفه به ایشان دست می‌داد، اما به هر جهت، شرایط سخت آن را پذیرفته و از ادای تکلیف، کوتاهی نمی‌کردند. در قضیه کنار گذاشتن قائم‌مقام رهبری و صدور حکم عزل ایشان، اگر چه شرایط کشور را در برهه خاصی از زمان می‌دیدند و فشارها و تحریم‌ها و تهدیدهای بین‌المللی را نیز از نظر دور نداشتند، اما ادای تکلیف شرعی برای ایشان به بهای اتخاذ تصمیمی دشوار و در گرو کنار گذاشتن اعتماد چندین ساله به نزدیک‌ترین افراد به رهبری نظام، هم‌چنان واجب می‌نمود تا این اصول اساسی در بنیان فکری و اندیشه امام‌خمينی<sup>۱۸</sup> برای استمرار نظام اسلامی در برابر قدرت‌های سراپا مسلح امپریالیستی و استکباری جهان، باقی بماند و نسل‌های آتی را نیز از آبلشخوَر همین مکتب و اندیشه، سیراب کند. ■

منابع و مآخذ:

- ۱- علی‌اصغر توحیدی، قرائت امام‌خمينی از سیاست، پژوهش‌کده امام‌خمينی و انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲- رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام‌خمينی قدس سره، ج ۲، مجموعه مقالات همایش بزرگ‌داشت یکصدمین سال میلاد امام.
- ۳- محمدرضا تاجیک، «امام، قدرت و گفتمان»، نامه پژوهش، س ۲، ش ۹، بهار ۱۳۷۷.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۸۷.
- ۲- همان، صص ۸۸۳-۷۸۳.
- ۳- همان، ج ۲۱، ص ۲۲۱.
- ۴- همان، ج ۳، ص ۲۱۸.
- ۵- همان، ج ۸، ص ۳۲۴.
- ۶- همان، ج ۱۳، ص ۴۳۳.
- ۷- همان، ج ۷، ص ۹۸۴-۸۸۴.
- ۸- همان، ج ۲۰، ص ۷۷.
- ۹- همان، ج ۱۰، ص ۴۴۲.
- ۱۰- همان، ج ۱۲، ص ۳۴۳.
- ۱۱- همان، ج ۲۰، ص ۴۸۶.
- ۱۲- همان، ج ۲۱، ص ۸۹.
- ۱۳- همان، ج ۲۲، ص ۱۹۲.
- ۱۴- همان، ج ۸، ص ۱۰.
- ۱۵- همان، ج ۱۹، ص ۴۸۶.
- ۱۶- همان، ج ۲۱، ص ۲۸۴.



معصومه طاهری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی و پژوهشی

معصومه طاهری یکی از شناخته‌شده‌ترین تحلیل‌گران سیاسی و فرهنگی اصفهان است که برای معرفی انقلاب اسلامی به فضای مختلف جامعه، به‌ویژه نخبگان و دانشجویان، تلاش زیادی کرده است. وی هم‌اکنون در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اصفهان، به تدریس معارف اسلامی و انقلاب اسلامی اشتغال دارد. نثری علاوه بر تألیفات کتابهای «سفر به عشق» با موضوع آشنایی و بازدید از جبهه‌های دفاع مقدس و «خبرگان ملت» شبکه ملی در فناوری هسته‌ای، «جوان جوانی در کلام اهل بیت (ع)» و «ایران: دیروز، امروز، فردا»، چندین مقاله و تعداد زیادی سخن‌رانی در کارنامه خود ثبت کرده است. که تنها کتاب «سفر به عشق» تاکنون بالغ بر ۳۳ هزار شمارگان به چاپ رسیده است. شخصیت محسن نصری از همان آوان نوجوانی، با انقلاب اسلامی گره خورده و مسیر زندگی‌اش را شکل داده است. وی در سن ۱۵ سالگی، وارد میدان دفاع مقدس شد و در هفت تا هشت عملیات شرکت داشته است. نصری در حال حاضر از جمله کسانی است که صحنه مبارزه در عرصه فرهنگی را ترک نکرده و با روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر در این میدان مشغول به فعالیت است. آن‌چه در پی می‌آید، قسمتی از گفت‌وگوی ما با ایشان در «کتابین نخبگان جوان» اصفهان است که وی از موسسان و فعالان آن به حساب می‌آید.



محسن نصری

به‌طور مستقیم، برنامه ورود حضرت امام<sup>(ع)</sup> را پی‌گیری کنیم. البته بعضی از بزرگ‌ترهای ما برای حضور در مراسم، به تهران رفته بودند یا مورد دیگری که به یاد دارم آن است که با بچه‌های هم‌سن و سال خود در محله مسجد المعاد، دور هم جمع شده بودیم و شعار می‌دادیم. ناگهان یک جیب از نیروهای نظامی رژیم آمد و تعقیب‌مان کرد. با بچه‌ها فرار کردیم و پیچیدیم به کوچه بن‌بستی که منزل ما در آن قرار داشت. سربازی که ما را تعقیب می‌کرد، به طرف ما شلیک کرد که تیرش به درب منزل یکی از همسایه‌ها اصابت کرد که تا همین چند سال پیش هنوز هم جای سوراخ آن تیر به درب آن خانه باقی بود.

**انقلاب‌های زیادی در طول تاریخ به‌وقوع پیوسته است. انقلاب ایران در مقایسه با آن‌ها چه خصوصیتی داشت که شاخص و ماندگار شد؟**

انقلاب ایران دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌کند و به همین جهت، اهمیت پیدا کرده است. یکی از این ویژگی‌ها، بُعد اسلامی و ارزش‌های دینی انقلاب است که ریشه در ایدئولوژی و تفکر اسلامی دارد. اگر بررسی کنید، خواهید دید که بقیه انقلاب‌های مهم جهان، مثل انقلاب فرانسه، به‌نوعی در ضدیّت با دین شکل گرفته‌اند و یا با تفکر سکولار و جدایی دین از سیاست، خود را به جهان شناسانده‌اند. تنها انقلاب دینی و گسترده در دنیا، انقلاب اسلامی ایران است. از این‌رو، به علت ماهیت اسلامی آن، این روی‌داد بزرگ، ظهور و بروز فوق‌العاده‌ای در دنیا پیدا کرد، تا جایی که می‌بینیم تحلیل‌گران اروپایی و آمریکایی آن زمان و نظریه‌پردازان نظام کمونیستی سابق، اعتراف می‌کنند که انقلاب ایران، برای آن‌ها قابل هضم نیست و تئوری‌های‌شان را به بازی گرفته است و لازم است که آن‌ها را مورد تجدید نظر قرار دهند. حتی دو سال قبل از پیروزی انقلاب ایران، «خانم هانا آرنت»، جامعه‌شناس مشهور اروپایی و نویسنده کتاب «انقلاب» می‌گوید: «عصر انقلاب‌های دینی به پایان رسیده است. دیگر در دنیا، انقلاب دینی رخ نخواهد داد.» و یک‌باره دو سال بعد، یک انقلاب با ایدئولوژی دینی، آن‌هم به گسترده‌گی انقلاب ایران، شکل می‌گیرد که نشان‌دهنده ابطال نظریات اجتماعی آن‌ها و برهم‌خوردن معادلات از پیش طراحی‌شده جهانی است؛ یا تاجایی که آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس انگلیسی، در کتابش این‌گونه می‌نویسد که: «تا قبل از پیروزی انقلاب ایران، سه غول جامعه‌شناسی یعنی ماکس وبر، مارکس و دورکیم، معتقد بودند فرآیند عمومی جهان به‌سمت نظام‌های سکولار و جدایی دین از سیاست است. اما با انقلاب ایران، فرآیند عمومی جهان معکوس شد؛ نه‌تنها انقلاب در حد مرزهای ایران، که پدیده انقلاب ایران، فرآیند عمومی جهان را به‌سمت گرایش به دین دگرگون کرد که فروپاشی نظام شوروی سابق و امروز هم انحطاط نظام لیبرال و سرمایه‌داری غرب را در پی داشت و تحلیل‌گران غربی، اذعان دارند که این روی‌دادها از نتایج انقلاب اسلامی ایران است.» بعد دیگر انقلاب ایران، حضور گسترده مردم در همه صحنه‌های آن بود. انقلاب فرانسه را انقلاب بورژوازی می‌دانند که طبقه نجبا و اشراف، محور اصلی آن قلمداد می‌شوند؛ یا انقلاب روسیه را انقلاب کارگری می‌دانند که در آن قشر کارگر، محور اصلی است و بعدها، گسترده‌گی جهانی پیدا می‌کند و انقلاب چین را انقلاب دهقانی با محوریت دهقانان و کشاورزان می‌دانند که در هر صورت، قشر خاصی تلقی می‌شوند. اما در باب انقلاب ایران، همان‌گونه که میشل فوکو اعتراف کرده است، مصداق تجلی اراده مردم در همه جهان است، زیرا همه اقشار مردم در صحنه‌های مختلف شکنجه، شهادت و مبارزه حضور داشتند. پس می‌توانیم به‌صراحت بگوییم: از لحاظ حضور و نقش‌آفرینی، مردم ایران در جهان استثناء هستند. بُعد دیگر انقلاب ایران، حضور رهبری انقلاب در ایران بوده است که ما شاهد رهبری حضرت امام<sup>(ع)</sup> در آن جریان عظیم بودیم. ایشان دارای شخصیت بسیار خاصی در تاریخ معاصر

آن سن و سال، فعال بودیم؛ چون پدرم هم از قبل با حضرت امام<sup>(ع)</sup> آشنایی داشت و رساله و عکس ایشان را مخفیانه نگه‌داری می‌کرد. **با توجه به سن کم شما در آن سال‌ها، آیا فعالیت‌هایی از این دست، بیش‌تر ناشی از غلبان احساسات بود یا علت دیگری هم داشت؟**

فضایی که در آن زمان بر جامعه حاکم شده بود، فضایی همه‌گیر بود. به‌تعبیر میشل فوکو، تحلیل‌گر فرانسوی، اگر خواستید یک مصداق برای اراده جمعی در دنیا پیدا کنید، آن را فقط در انقلاب ایران می‌یابید. اراده جمعی، یکی از مفاهیم جامعه‌شناختی است که به‌زعم این اندیشمند، در انقلاب ایران، همه اقشار جامعه اعم از زن و مرد، کوچک و بزرگ، شهری و روستایی، کارمند و کارگر به صحنه آمدند. ما هم طبیعتاً متأثر از فضای خانواده، که مذهبی و انقلابی بودند، به آن حال و هوا گرایش پیدا کردیم. حتی یادم است که با وجود سن کم و اطلاعات محدود آن زمان که ناشی از خفقان شدید رسانه‌ای بود، با یکی از بچه‌های هم‌محله‌ای‌مان در مورد رژیم پهلوی و این‌که شاه دارد نفت ایران را به آمریکا می‌دهد و منابع ما را از بین می‌برند و می‌خواهند بر ما سلطه پیدا کنند، بحث و گفت‌وگو می‌کردیم. اما، بعد و جبهه حضرت امام و اعتقادات ایشان در بین مردم به‌مرور بر اطلاعات ما می‌افزود. یا مثلاً ۱۲ بهمن که روز ورود امام خمینی<sup>(ع)</sup> بود. ما مثل خیلی‌ها، تلویزیون نداشتیم. چون قبل از انقلاب، علما تلویزیون را به دلیل برنامه‌های مبتدلی که پخش می‌کرد، تحریم کرده بودند. ما فقط یک رادیو داشتیم، که پدرم موقع اخبار و شب‌های جمعه برای شنیدن سخن‌رانی مرحوم راشد یزدی، آن را روشن می‌کرد. آن روز ما به منزل همسایه‌مان رفتیم تا صحنه ورود امام را از تلویزیون ببینیم، که وسط پخش برنامه ناگهان قطع شد و تصویر شاه را نشان داد. همه مردم عصبانی شدند و حتی برخی از افراد، تلویزیون‌های‌شان را شکستند. آن روز ما نتوانستیم

هستند که بعد از اهل بیت (علیهم السلام)، چنین شخصیتی را نه تنها در جهان اسلام، بلکه در حرکت‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی نیز نداشته‌ایم. ویژگی‌های شخصیتی حضرت امام<sup>(ع)</sup> عرفان، بصیرت، بینش سیاسی، شجاعت و درایت است که توانستند رهبری انقلاب را در جهان، منحصر به فرد کنند؛ به همین جهت، انقلاب ایران، هم از لحاظ مردمی بودن، هم به لحاظ اسلامی بودن و هم از لحاظ رهبری، نسبت به بقیه تحولات اجتماعی، بی نظیر بوده است.

### تاثیرگذاری و بازتاب انقلاب اسلامی در جهان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بخش بسیار مهم، تاثیرگذاری انقلاب در منطقه و سطح جهانی است. برخی از انقلاب‌ها یا تحولات اجتماعی، وقتی رخ می‌دهند، ممکن است در حد قد و قامت همان جامعه، باقی بمانند و یا اگر هم به نقاط دیگر دنیا سرایت پیدا کنند، نفوذ و عمق چندانی نمی‌یابند؛ اما پدیده انقلاب اسلامی ایران، حادثه‌ای بود که امروز به‌عنوان یک پدیده تاثیرگذار در سطح منطقه و جهان از آن یاد می‌شود و فصل جدیدی را آغاز کرده است. آئوبن تافلر، جامعه‌شناس مشهور معاصر آمریکایی، که در قرن بیستم، حدود هفت تا هشت عنوان کتاب در مقوله آینده‌شناسی قرن بیست و یکم نوشت و به اندیشمند آینده‌پژوه معروف است، در سال ۲۰۰۰ میلادی و آغاز قرن بیست و یکم، در غرب و اروپا مصاحبه‌ای انجام داد. بخشی از سخنانش در این مصاحبه این بود که اگر چه امام‌آخیمینی در قرن بیست از دنیا رفته است، اما او مرد قرن بیست و یکم است. یعنی با این که امروز حضرت امام<sup>(ع)</sup> در قید حیات نیستند، ولی انقلابی که امام<sup>(ع)</sup> انجام دادند؛ شخصیت و اندیشه‌های ایشان در سطح منطقه و جهان، نقشی اساسی را ایفا می‌کند و گرایش به این تفکر، نه فقط در خاورمیانه و جهان اسلام، در لبنان، فلسطین، عراق و افغانستان مطرح است، بلکه امروز اندیشه‌های امام‌آخیمینی<sup>(ع)</sup> در قاره آفریقا، اروپا و آمریکای لاتین نیز که حیاط‌خلوت ایالات متحده نامیده می‌شود، حاکم است و بعد از گذشت سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی و بیست سال از رحلت ایشان، هنوز هم روز به روز شخصیت امام<sup>(ع)</sup> بیش تر مورد توجه قرار می‌گیرد و موسساتی در سراسر جهان ایجاد شده است که در مورد تفکرات امام<sup>(ع)</sup> و انقلاب اسلامی ایران، به‌طور گسترده، فعالیت می‌کنند.

### این موضوع که مدام در رسانه‌ها، از افول آرمان‌های انقلاب اسلامی در بین مردم ایران و سایر کشورها دم می‌زنند، آیا فرافکنی و مقابله با رشد و دامنه گسترده آن است؟

این فرآیند، برآمده از جریان رسانه‌ای و تبلیغاتی غرب است، چون بر آن است که امید، نشاط و حرکت را از جامعه ما و پیام انقلاب‌مان بگیرند؛ در صورتی که برعکس این پندار، در بررسی واقعیت‌های عینی، شاهد افول قدرت‌های غربی هستیم. امروزه در خاورمیانه‌ای که زیر سلطه انگلیس و آمریکا بود، می‌بینیم که هر جا آمریکایی‌ها وارد آن می‌شوند، سیاست‌های‌شان شکست می‌خورد و با انزجار ملت‌ها روبه‌رو می‌شوند؛ در حالی که مسؤولان کشور ما و پیام انقلاب ما در سطح خاورمیانه، یا همان هارتلند جهان، از منظر غربی‌ها، شرایطی متفاوت دارند و دولت‌مردان غربی معترفند که اگر ما می‌خواهیم بر هارتلند جهان حاکم بشویم، باید بدانیم که امروز، ایران و پیام انقلاب ایران، نقش اساسی در آن منطقه ایفا می‌کنند، که مانع بزرگی محسوب می‌شود. اگر حزب‌الله لبنان پدید می‌آید، اگر حماس و جهاد اسلامی در فلسطین می‌توانند، نقش مهمی ایفا کنند، اگر امروز آمریکایی‌ها در عراق دچار بحران شده‌اند و یا در افغانستان به اهداف‌شان نرسیده‌اند، همه به دلیل سرایت پیام انقلاب ایران به آن کشورها بوده است که بیداری جهان اسلام را ایجاد کرده است. بعد از این که آمریکا و انگلستان به عراق حمله کردند، به این امید که، به تعبیر خودشان، آزادی را به این کشور بیاورند و الگویی برای سایر کشورهای منطقه ایجاد کنند، ولی برخلاف برنامه‌های‌شان،

دچار چالش و مشکلات زیادی شدند، به‌صورتی که مردم عراق، امروز آن‌ها را نمی‌پذیرند و خواهان خروج از کشورشان هستند. دانیل پاییز، مشاور ارشد جورج بوش، همین چند سال پیش، در مصاحبه‌ای اعتراف کرد: «گر ما امروز در عراق دچار مشکل هستیم، مربوط به فرزندان معنوی خمینی است.» می‌بینیم که اندیشه‌های امام<sup>(ع)</sup> و پیام انقلاب ایران، به‌عنوان فرزندان معنوی امام‌آخیمینی<sup>(ع)</sup> به حساب می‌آیند و امروز در عراق فعالیت می‌کنند و این تفکر به آمریکا، اجازه موفقیت نمی‌دهد. این نشان‌دهنده نفوذ و قدرت ما در سطح منطقه است.

### چرا آمریکایی‌ها به یک‌باره به منطقه خاورمیانه هجوم آوردند و به‌نوعی پایگاه‌شان را در اطراف ایران سازمان‌دهی کرده‌اند؟

اگر من بخواهم این مسأله را ریشه‌یابی کنم، باید چند روی‌داد را مورد توجه قرار دهم. در بهمن سال ۱۳۷۹ شمسی، جورج بوش به‌عنوان رئیس‌جمهور وارد کاخ سفید شد، هفت ماه بعد، یعنی شهریور ۱۳۸۰، حادثه مشکوک یازده سپتامبر را پدید آورد و چهل و هشت ساعت بعد از این حادثه، بوش مصاحبه‌ای انجام داد و گفت که جنگ صلیبی آغاز شده است. استفاده از واژه جنگ صلیبی، نکته بسیار مهمی را روشن می‌کند و آن هم، جنگ‌های صلیبی چند صد سال پیش بود که دویست سال به طول انجامید، و طی آن، اروپایی‌های مسیحی به سرزمین‌های اسلامی و خاورمیانه حمله کردند. آن‌ها صدها هزار مسلمان را کشتند تا بتوانند بر این منطقه، سلطه پیدا کنند و اسلام را از میان بردارند. حالا ما می‌بینیم با گذشت هشت‌صد، نه‌صد سال، جورج بوش بعد از یازده سپتامبر، از شروع جنگ‌های صلیبی سخن می‌گوید. یعنی باید جهان غرب و یا، به تعبیر خودشان، جهان مسیحیت، با اسلام وارد جنگ شود. آنان در این مسیر، چند هدف را دنبال می‌کردند. اول این که قصد داشتند با حرکت‌های تبلیغاتی، وجهه اسلام را در دنیای غرب و اروپا تضعیف کنند؛ زیرا به اعتقاد غربی‌ها، اسلام در حال گسترش و تبدیل شدن به اولین دین در اروپا و آمریکا است. در دانمارک با کاریکاتورهای موهن، به ساحت پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> توهین کردند. پاپ دو سه نوبت در ترکیه و آلمان، علیه اسلام سخن‌رانی کرد و به شخصیت پیامبر<sup>(ص)</sup> جسارت‌هایی کرد و در رسانه‌ها و مطبوعات‌شان، بحث اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را مرتب مطرح می‌کنند. همه این اقدامات برای این است که اندیشه اسلامی و پیام انقلاب ایران در سراسر جهان نفوذ پیدا نکنند. ما می‌بینیم که طی سال‌های اخیر، در کشورهایی چون آلمان، فرانسه، هلند و بلژیک، با حجاب و پوشش خانم‌ها مقابله می‌کنند؛ آن هم در کشورهایی که مدعی آزادی و حقوق بشرند. به تعبیر لوک فری، وزیر آموزش و پرورش فرانسه، اگر ما اجازه بدهیم حجاب در فرانسه گسترش پیدا کند، در آینده، اسلام سراسر اروپا را فرا خواهد گرفت. چون از نفوذ اسلام و اقبالی که در بین مردم پیدا کرده است، در وحشت و هراس هستند. آنان از طرفی، این اقدامات را انجام می‌دهند و از طرف دیگر، در جنگ صلیبی، بحث حرکت فرهنگی را مطرح می‌کنند. بعد دیگر، لشکر کشی نظامی غربی‌ها به سرمدداری آمریکایی‌ها بود که کشورهای افغانستان و عراق را به بهانه‌های مختلف اشغال کردند. تونی بلر، نخست‌وزیر وقت انگلستان گفت: «ما اگر به افغانستان و عراق حمله کردیم، به دلیل آن است که می‌خواهیم زمینه حمله به ایران را بچینیم.» زیرا به نظر آنان مشکل اساسی در خاورمیانه و منطقه، کشور ایران است. چون ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بیداری جهان اسلام، امید و نشاط را منجر شده و ابهت شرق و غرب را در هم شکسته است. شما می‌بینید که طی این هشت، نه سال، آمریکا به عراق، افغانستان، سوریه و پاکستان حمله کرد تا به‌نوعی، ایران را در تنگنا و فشار قرار بدهد، ولی جرات شلیک یک گلوله را به ایران نداشتند، که این نشان‌دهنده قدرت و اقتدار ماست. بد نیست این قضیه را دایماً به خاطر داشته



به تعبیر میشل فوکو، تحلیل‌گر فرانسوی، اگر خواستید یک مصداق برای اراده جمعی در دنیا پیدا کنید، آن را فقط در انقلاب ایران می‌باید



هم به رهبری جامع‌الاطرافى مثل شخصیت حضرت امام<sup>(ع)</sup> دست یافت و هم این‌که توانستیم از تجارب این مبارزات به درستی استفاده کنیم.

از سخنان شما چنین درمی‌یابیم که بستر انقلاب اسلامی، از سال‌های خیلی دور گسترده شد؛ در صورتی که بعضی بر این باورند که ریشه انقلاب، مربوط به واقعه ۱۵ خرداد است. نظر شما در این مورد چیست؟

ما اگر تاریخ صدساله معاصرمان را بررسی کنیم، حرکت‌هایی مثل نهضت تنباکوی میرزای شیرازی، نهضت عدالت‌خواهانه مشروطه، مبارزات میرزا کوچک‌خان جنگلی و مواردی از این دست را داریم که همه در مقاطع مختلف تاریخی مانند حلقه‌های زنجیر هستند که تداوم پیدا کرد تا زمان رضاشاه و مبارزات شهیدمدرس، شیخ‌محمد خیابانی تا ملی‌شدن صنعت نفت، فعالیت‌های آیت‌الله کاشانی، شهیدنواب صفوی و مصدق و بعد می‌رسیم به سال ۱۳۴۱ که آغاز نهضت امام‌خمینی<sup>(ع)</sup> و حماسه تاریخی ۱۵ خرداد را در بطن خود دارد که جرعه انقلاب زده شد.

پس با این اوصاف نمی‌توانیم ۱۵ خرداد را نقطه عطف انقلاب بدانیم؟

واقعه ۱۵ خرداد، نقطه‌عطفی در حرکت حضرت امام<sup>(ع)</sup> است. ایشان از سال ۱۳۴۱، یعنی از یک سال قبل، حرکت خود را شروع کردند؛ آن هم با اعتراض به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی شاه که رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرده بودند. در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، مردم به‌دنبال اعتراض به دستگیری امام<sup>(ع)</sup> وارد جریان انقلاب شدند. در سال ۱۳۴۲، در عصر عاشورا که مصادف با ۱۳ خرداد بود، امام<sup>(ع)</sup> در مدرسه فیضیه با سخنرانی کوبنده‌ای، سیاست‌های انگلیس، آمریکا، اسرائیل و رژیم پهلوی در ایران را محکوم می‌کند و به افشاکاری آن‌ها نزد مردم می‌پردازد، و این‌که آنان درصددند تا اسلام و ایران را نابود کنند. به همین منظور، روز ۱۴ خرداد، امام<sup>(ع)</sup> را دستگیر و راهی زندانی در تهران می‌کنند. مردم هم وقتی مطلع می‌شوند، صبح روز ۱۵ خرداد، قیام تاریخی خودشان را آغاز می‌کنند. درحقیقت، ۱۵ خرداد، حرکت و آغاز جدیدی بود بر نهضت حضرت امام<sup>(ع)</sup> که نتیجه آن طی پانزده سال بعد به ثمر نشست؛ وگرنه ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران، ریشه‌های قدیمی‌تری مثل حوادث تاریخ معاصر را در برمی‌گیرد که باز در آن وقایع هم محوریت ارزش‌های اسلامی و محوریت علما و روحانیان مطرح بود. با اندکی دقت درمی‌یابید که میرزای شیرازی به‌عنوان یک مرجع تقلید با یک حکم شرعی، محور صحنه می‌شود و براساس ارزش‌های اسلامی، حکم تحریم تنباکو را صادر می‌کند. شهید شیخ‌فضل‌الله نوری با علمای دیگر در نهضت مشروطه به صحنه مبارزه می‌آید؛ با بعدها شهید مدرس یا شهید خیابانی و میرزا کوچک‌خان جنگلی، همه از روحانیان زمان خود هستند. رئیس‌علی دلواری براساس حکم و فتوای آیت‌الله شیخ‌محمدحسین برازجانی، قیام خودش را انجام می‌دهد و... تاریخ معاصر صد ساله ما نشان می‌دهد تمام جنبش‌ها و مبارزاتی که هم علیه استبداد داخلی و هم استعمار خارجی برپا شده‌اند، دو ویژگی مهم دارند: هم از پایگاه و خاستگاه دینی نشأت گرفته‌اند و هم به رهبری علما و روحانیان آغاز شده‌اند. همه این مبارزات جمع شد و در نهضت امام<sup>(ع)</sup> و پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به اوج رسید.

آیا دستاوردها و نتایج انقلاب ایران به‌طور کامل شناخته شده است یا هنوز بخش‌های نامشکوفی وجود دارد که باید با تحلیل و موشکافی به آن‌ها دست یافت؟

قطعاً انقلابی به این گستردگی و تأثیرگذاری در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی، هنوز نیاز به مطالعه و بررسی دارد. شما اگر آماری از تعداد پایان‌نامه‌های دانشگاهی و تحقیقاتی که در خارج از کشور درمورد علل انقلاب ایران تهیه شده‌اند (که حتی تعدادشان

باشیم که ایران در طی یک‌صد و هشتاد سال پادشاهی قاجاری و پهلوی، بیش از یک میلیون کیلومتر مربع یعنی معادل ۴۰ درصد از وسعتش را از دست داده است. هر جنگی که رخ می‌داد، باعث ذلت و تحقیر ما می‌شد؛ حتی کار به جایی رسید که در سال ۱۳۵۰ شمسی، یعنی تنها هفت سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، با امضای شاه، استان چهاردهم ایران به نام بحرین را از ایران جدا کردند و در اختیار انگلستان قرار دادند و امروز هم شاهدیم که پایگاه نظامی آمریکا شده است. انقلاب اسلامی رخ داد و ملت ما در سایه پیوند سه اصل اسلام، رهبری امام<sup>(ع)</sup> و حضور و مشارکت عمومی، قدرت و اقتداری پیدا کرد که دنیای استکبار از همان آغاز، به‌دنبال نابودی آن بوده است و امروز هم مفتخریم که یک میلی‌متر از سرزمین مقدس‌مان جدا نشده است و ارزش‌ها و آرمان‌های‌مان پویاتر از قبل باقی مانده است. استکبار جهانی بعد از دفاع مقدس هم، دیگر جرات حمله نظامی به ایران را ندارند، زیرا ایران ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را پیدا کرده است که نشان می‌دهد، ایران امروز، ایران زمان قاجاریه و پهلوی نیست که یا با قرارداد و امضا و یا با حمله نظامی توأم با ذلت و شکست، بتوانند بخشی از آن را جدا کنند.

چرا در آن دوران، مردم ایران مثل امروز منسجم نبودند، یا به عبارتی هنوز بستر و شرایط لازم برای یک تحول بزرگ در ایران فراهم نشده بود؟

در آن روزگاران، هم مردم ایران انسجام و هم‌بستگی لازم را نداشتند و هم به‌نوعی، سیطره استکباری که روسیه و انگلیس در منطقه و در کشور ما ایجاد کرده بودند، به چماقی برای سرکوبی ملت ما تبدیل شده بود. مبارزاتی مثل نهضت جنگل، توسط میرزای جنگلی در شمال علیه سلطه روس‌ها؛ رئیس‌علی دلواری در جنوب در مقابل پلیس جنوب انگلیسی‌ها؛ میرزای شیرازی، نهضت شیخ‌فضل‌الله نوری، شهیدمدرس و مبارزات پراکنده دیگری هم بود که تا بخشی از آن‌ها ثمراتی جزئی می‌داد، سرکوب می‌شد. اما این مبارزات و همه این تجارب، طی این سال‌ها، روی هم جمع شد و بر اثر آن‌ها، هم ملت ما به آمادگی و بلوغ بهتری رسید و

آلویں تافلر، جامعه‌شناس آمریکایی: «اگر چه [امام] خمینی در قرن بیستم از دنیا رفته است، اما او مرد قرن بیست و یکم است»



بیش تر از پایان نامه‌های داخل کشورمان بوده‌اند) تهیه کنید، خود نشان‌دهنده بویایی و زنده بودن انقلاب ایران و بازتاب گسترده آن در جهان است و هنوز هم این حرکت و روند هر بار پرشتاب‌تر از گذشته در مقاطع مختلف ادامه دارد. وقتی که بحث تمدن ایرانی-اسلامی و نهضت تولید علم از جانب مقام معظم رهبری مطرح می‌شود، مطمئن می‌شوید که نسل جوان ایرانی می‌تواند در تولید سلول‌های بنیادین، فناوری‌های هسته‌ای، هوا و فضا، مسائل ماهواره‌ای، مسابقات، اختراعات و المپیادهای علمی، جایگاه شایسته‌ای پیدا کند. انقلابی که در یک حرکت سیاسی شکل پیدا کرد، در طول هشت‌سال دفاع مقدس، خودش را حفظ کرد و در برابر دشمنان سیاسی و نظامی خود، امروز وارد یک عرصه بالندگی و شروعی جدید در تمدن‌سازی شده است، به‌صورتی که رکن مهم علم، با ارزش‌های اسلامی پیوند خورده است. این مدل و الگوی جدید با توجه به فروپاشی و اضمحلال مدل شرقی در شوری و فروپاشی کنونی نظام لیبرال‌دموکراسی غربی، جذابیت جدیدی در سطح جهان، حتی در میان متفکران و تحلیل‌گران شناخته‌شده غربی پیدا کرده است و این بیان‌گر این قضیه است که مدل انقلاب اسلامی، هم‌چنان در مراکز علمی و تحقیقاتی غربی، قابل مطالعه و بررسی است. اگرچه از لحاظ رسانه‌ای و تبلیغاتی، بسیاری در تلاش هستند تا انقلاب ما را تحقیر و تخریب کنند و مورد بایکوت خبری قرار بدهند و امید و نشاط را از جامعه ما بگیرند.

### تأثیرات انقلاب اسلامی در بین جوانان امروز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امروز در کشور ما، اتفاقات بزرگی روی داده است. در فروردین ماه سال ۱۳۸۶، سی و ششمین دوره مسابقات اختراعات در کشور سوئیس برگزار شد و تیم جوانان جمهوری اسلامی ایران با متوسط ۲۲ سال سن به‌عنوان جوان‌ترین تیم مخترع بر سکوی اول ایستادند. اردیبهشت‌ماه سال گذشته، فدراسیون جهانی مخترعان، اولین دوره مسابقات اختراعات مخصوص زنان و دختران جهان را در کره جنوبی برگزار کرد و تیم زنان و دختران جمهوری اسلامی ایران بر سکوی اول جهان ایستادند. باز در همین ماه، در مسابقات مخترعان در مالزی، تیم ایران مقام دوم را کسب کرد. در کرواسی، آلمان و بلژیک هم حضور داشته‌ایم تا آخرین نمونه آن، در آبان سال ۱۳۸۶ که مسابقات اختراعات و ابداعات در کشور چین برگزار شد و باز تیم کشورمان به مقام اول جهان رسید. برترین مخترع جهان هم در سال ۲۰۰۸ میلادی در کشور چین انتخاب شد، که آقای سیدجلال‌الدین سجادی از ایران بود. امروز، زنان ما در مسابقات جهانی، مقام اول را کسب می‌کنند و پسران کشور ما بر سکوهایی اول و دوم جهانی می‌ایستند. و برترین مخترع سال ۲۰۰۸ میلادی، جوان بیست و یک ساله ایرانی شناخته می‌شود. ما در طول تاریخ دویست، سیصدساله گذشته‌مان، کجا چنین جوانانی داشته‌ایم؟ امروز توانسته‌ایم با خودباوری و اعتمادبه‌نفس، که انقلاب اسلامی در ما ایجاد کرده است، به همان جمله معروف «ما می‌توانیم» حضرت امام<sup>(ع)</sup> برسیم و با نهضت تولید علم و بحث اعتمادبه‌نفس که مقام معظم رهبری در این سال‌ها مطرح کرده‌اند، به شکوفایی و در یک بخشی به انقلاب فرهنگی دست یابیم. این دستاورد نشان می‌دهد که به پیشرفت رسیده‌ایم. آقای شاهین گوانچی، در سال ۲۰۰۵ میلادی برترین مخترع جهان شد. وقتی از ایشان پرسیدند: در مسابقه مخترعان جهانی که زبان بین‌المللی هم انگلیسی است، چرا اختراع خود را به زبان فارسی ارائه دادید؟ گفت: «چند ماه پیش به خدمت مقام معظم رهبری رفتم؛ آقا به ما فرمودند که من از شما جوانان انتظار دارم که در نهضت تولید علم به‌شکلی کار کنید که همان‌گونه که زبان امروز علم ما انگلیسی است، در آینده‌ای نزدیک، زبان و ادبیات فارسی، زبان علمی جهان باشد.» و ایشان گفت: «من در همان جلسه تصمیم گرفتم تا اختراعات را به زبان فارسی ثبت کنم تا دنیا بدانند که حالا

به بعد اگر می‌خواهد از علم و دانش ایرانی استفاده کند، باید زبان و ادبیات فارسی را یاد بگیرد.» این خودباوری و اعتمادبه‌نفس، یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است که یک جوان بیست و چند ساله‌اش، جرات و شهامت این کار را پیدا می‌کند. مقام معظم رهبری در دانشگاه علم و صنعت و در جمع دانشجویان فرمودند که ما باید مرجعیت علمی جهان را به‌دست بگیریم. این نشان‌دهنده خودباوری است که انقلاب اسلامی در بین جوانانش ایجاد کرده است.

### چرا امام خمینی<sup>(ع)</sup> بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث نظام جمهوری اسلامی را مطرح کردند؟

یکی از خواسته‌ها و مطالبات مردم، در طول مبارزات قبل از انقلاب، این بود که ساختار حکومتی کشور عوض بشود و از این سلطنت موروثی پدر و پسر رهایی پیدا کنند. رضاشاهی که حتی سواد خواندن و نوشتن نداشت و اسم خودش را هم نمی‌توانست بنویسد، در جایگاه رهبری کشوری بزرگ و باسابقه مثل ایران قرار گرفته بود. فساد اخلاقی، فساد اقتصادی و وابستگی آن‌ها به بیگانگان هم مزید بر علت بود. ساختاری کاملاً استبدادی در کشورمان حاکم بود. یکی از کارکردها و نتایج هر انقلابی این است که باید در ساختار کلی جامعه، دگرگونی صورت بگیرد. یکی از شعارهای اصلی مردم هم موضوع حکومت اسلامی و بعدها تحت عنوان جمهوری اسلامی بود و بر این اساس، شعار محوری انقلاب «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تعیین می‌شود که حرکت عموم مردم به رهبری حضرت امام<sup>(ع)</sup> نیز حول همین موضوع منسجم شد.

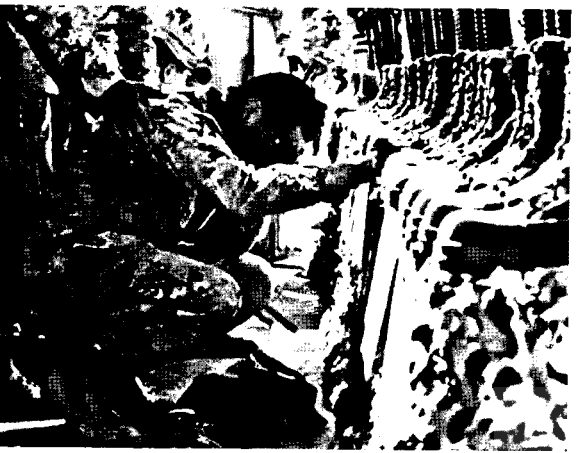
### با وجود آن که مردم شناخت چندانی از محتوای جمهوری اسلامی نداشتند، از چه رو، خواستار برپایی نظام جمهوری اسلامی شدند؟

در مصاحبه‌های حضرت امام<sup>(ع)</sup> در دوران قبل از پیروزی انقلاب، و در بیان دیدگاه‌های‌شان در داخل ایران، بارها موضوع جمهوری اسلامی مطرح می‌شد. مبارزان و انقلابیونی که در کشور با مباحث سیاسی، آشنا بودند نیز رژیم جایگزین را حکومت اسلامی یا نظام جمهوری اسلامی معرفی می‌کردند. تحت این عنوان که جمهوری به معنای توده مردم و نظام‌ها و حکومت‌های سیاسی با مشارکت و فعالیت مردم است. هنگامی که ظرف جمهوری به یک محتوا و شکل قانون‌مند نیاز داشت، با وجود عناوینی مانند جمهوری سوسیالیستی و جمهوری لیبرالیستی، امروز مدل اسلامی ارائه شد که از سویی حضور و مشارکت و نقش‌آفرینی مردم و از سوی دیگر، حاکمیت ارزش‌ها و قوانین اسلامی را نشان می‌داد که تحت عنوان نظام جمهوری اسلامی، یعنی نفی حکومت پادشاهی و سلطنتی گذشته در ایران، مطرح شد. اما نکته حایز اهمیت آن است که این مساله، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در شعارهای مردمی مطرح شده بود و در فرآیندی که تقریباً دو ماه پس از پیروزی انقلاب، یعنی در فروردین ۱۳۵۸، به‌صورت همه‌پرسی برگزار شد، مورد قبول آحاد ملت قرار گرفت و جمعیت میلیونی مردم با حضور در صحنه‌های مختلف انقلاب اسلامی و با استقبال گسترده از حضرت امام<sup>(ع)</sup>، به برقراری حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی رای مثبت دادند.

### چرا امام خمینی<sup>(ع)</sup> تمایل به ثبت این فرآیند و همه‌پرسی ملت داشتند؟

برای این که در آینده و در تاریخ فردای کشور نگویند و ننویسند که انقلاب اسلامی، اجباری بود و دیدگاه‌ها و خواسته‌های مردم را در آن لحاظ نکردند. امام<sup>(ع)</sup> با درایت و تیزبینی، با وجود حضور گسترده و میلیونی مردم و استقبال از رهبرشان، باز هم نظام جمهوری اسلامی را به رای مردم گذاشتند که این هم از مولفه‌هایی است که انقلاب ما را در بین سایر انقلاب‌ها، استثنایی و منحصره‌فرد کرده است. ما هرگز در انقلاب فرانسه،

انقلاب‌های مهم جهان، مثل انقلاب فرانسه، به‌نوعی در ضمیمه با دین شکل گرفته‌اند و یا با تفکر سکولار و جدایی دین از سیاست، خود را به جهان شناسانده‌اند. تنها انقلاب دینی و گسترده در دنیا، انقلاب اسلامی ایران است



دانیل پاییز، مشاور ارشد جورج بوش، همین چند سال پیش، در مصاحبه‌ای اعتراف کرد: «اگر ما امروز در عراق دچار مشکل هستیم، مربوط به فرزندان معنوی خمینی است.»

روسیه، چین و یا دیگر انقلاب‌های مطرح جهان نمی‌بینیم چنین کاری را انجام داده باشند و دو ماه بعد از پیروزی انقلاب‌شان، نظام حکومتی را به رای مردم بگذارند و نود و هشت و دو دهم درصد مردم هم این ساختار جدید حکومتی را بپذیرند.

**با توجه به میزان بالای بی‌سوادی در ایران، مردم چطور تشخیص دادند که این نظام برای آن‌ها مفید و مناسب است؟** وقتی مردم ایران در طول تاریخ وارد عرصه مبارزات شدند و در نهضت تنباکو به امر مرجع تقلیدشان به صحنه آمدند، میزان بی‌سوادی آن‌ها خیلی بیش‌تر از مردم اول انقلاب بود. در این‌جا دو موضوع قابل طرح و بررسی وجود دارد: یکی میزان سواد آکادمیک و کلاسیک است و دیگری ظلم و ستمی است که مردم به عینه، شاهد آن بودند و علاقه و معرفتی که نسبت به اسلام و ارزش‌های دینی داشته و دارند و از همه مهم‌تر، اعتمادی که به رهبران دینی و مذهبی‌شان دارند که در طی روند انقلاب به حضرت امام<sup>(ع)</sup> نیز چنین اعتمادی داشتند. به همین جهت، مردم در نفی نظام استبدادی و شاهنشاهی به‌پا خاستند و برپایی نظام جمهوری اسلامی را طلب کردند. اما نکته مهمی که با نام جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که با مشارکت و حضور مردم به اضافه قوانین اسلامی تثبیت شد، قانون اساسی این نظام باید پدید می‌آمد تا این ساختار جدید را تبیین کند. به همین منظور، در تابستان ۱۳۵۸، یعنی دو، سه ماه بعد از این که مردم به نظام جمهوری اسلامی رای دادند، در انتخابات دیگری شرکت کردند و خبرگانی را برای تدوین قانون اساسی انتخاب کردند که البته این عده با خبرگان رهبری فرق دارند. این افراد که ۷۰، ۸۰ نفر از تمام استان‌های کشور انتخاب شده بودند، حدود پنج تا شش ماه به مطالعه و تحقیق اشتغال داشتند. حضرت امام<sup>(ع)</sup>، از زمانی که در نوفل‌لوشاتوی پاریس بودند، این قضیه را پی‌گیری می‌کردند. در مجلس خبرگان منتخب مردم، کارشناسی‌های لازم انجام گرفت و در آذر ۱۳۵۸، در حالی که هنوز انقلاب ما یک‌ساله هم نشده بود، اکثریت مردم به این قانون اساسی، رای مثبت دادند که ابعاد، قوا، اهداف، مسیر و ساختار حکومتی جمهوری اسلامی در آن تدوین شده است. در واقع، مردم هم به نظام جمهوری اسلامی و هم به زیرمجموعه آن، یعنی قانون اساسی که ساختار جمهوری اسلامی، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و اهداف آن مشخص بود، در یک همه‌پرسی، رای مثبت دادند؛ به صورتی که می‌توان به‌صراحت ادعا داشت که انقلاب ما از این نظر یکی از استثنایی‌ترین انقلاب‌هایی است که کم‌تر از یک سال پس از پیروزی‌اش، مردم

آن به نظام جدید و قانون اساسی‌ای که منتخبان خودشان تعیین کرده‌اند، رای می‌دهند. این قانون، مبنای ساختار اداری و سیاسی جامعه اسلامی ما تا به امروز شد. قانونی که همه مردم با آرای خود در هر مرحله به آن مهر تأیید زده‌اند.

**نظام حاکم بر ایران با نظام‌های دموکراسی غربی که در آن‌ها نیز مشارکت مردم مطرح می‌شود، چه تفاوت‌هایی دارد؟**

دموکراسی در لغت دارای معانی مختلفی است. دو معنی متداول از دموکراسی در دنیا وجود دارد که گاهی به‌عنوان یک روش و گاهی به‌منزله یک ارزش از آن یاد می‌شود. اگر دموکراسی به معنی یک روش در نظر گرفته شود، منظور از آن، روشی برای اداره و مدیریت جامعه با مشارکت مردمی است. ما افتخار می‌کنیم که انبیاء الهی، پایه‌گذار این الگوی حکومتی هستند. همه انبیاء الهی در قرآن، جامعه خود را با واژه «قوم» مورد خطاب قرار داده‌اند و با مشارکت مردم، به تشکیل جامعه سیاسی و دینی خود همت گمارده‌اند، حتی پیامبر بزرگوار اسلام و بقیه اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز چنین کرده‌اند. اما اگر دموکراسی به‌منزله یک نظام ارزشی قلمداد شود و بر شالوده‌هایی مانند اومانیسیم (انسان‌پرستی) و سکولاریسم (جدایی دین از سیاست) و پلورالیزم (کثرت‌گرایی) استوار شده باشد، به هیچ عنوان در دیدگاه اسلامی و انقلابی ما قرار ندارد. زیرا در این نوع دموکراسی با مبنایی به نام اومانیسیم، انسان به جای خدا می‌نشیند و آسمان، وحی و خدا در آن، حذف می‌شود، به‌طوری که به تعبیر نیچه، فیلسوف آلمانی (که بعد از رنسانس می‌خواست تحولات رنسانس در اروپا را تبیین کند)، در این حالت، «خدا مرده است.» یعنی ما دیگر کاری به خدا نداریم و انسان در راس امور قرار دارد. بعضی اوقات، واژه اومانیسیم به‌درستی ترجمه نمی‌شود و معمولاً به معنای انسان‌محوری یا انسان‌گرایی پذیرفته می‌شود. در صورتی که در اومانیسیم، انسان در جایگاه خدا قرار می‌گیرد و تصمیم‌گیرنده اصلی تلقی می‌شود و او تعیین می‌کند که چه چیزی خوب و یا چه چیزی بد؛ چه چیزی ارزش و چه چیزی ضد ارزش است. در حالی که محور حق و باطل، زشت و زیبا، درست و اشتباه در اسلام، خداوند است؛ اما با حضور مردم است که این قوانین، اجرایی می‌شوند. این همان مفهوم نظام دموکراسی یا جمهوری است. در جمهوری‌ها و دموکراسی‌های غربی، انسان به جای خدا



می‌نشینند و خوب و بد را تعیین می‌کند. لازم است مثال مشخصی را در این جا بیان کنم. گروه‌های منحرف اجتماعی در غرب مثل هپی‌ها، پانکی‌ها و یا در سال‌های اخیر، گروه‌های هوی‌متال، رپ و شیطان‌پرست‌ها، همگی دارای ایدئولوژی مشخصی هستند و براساس تفکر اومانیستی، انسان را محور همه چیز می‌دانند و بر این مبنا هر چه انتخاب کنند، همان درست است. مثلاً بیتل‌ها در سال‌های قبل و دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی در اروپا در راهروی هتل‌ها، فوتبال بازی می‌کردند، یا به تعبیر ما گل کوچک. وقتی مسؤول هتل به آنان می‌گفت: «راهروی هتل جای فوتبال بازی کردن نیست». به او می‌گفتند: «چه کسی می‌گوید کار ما اشتباه است؟ ملاک ما هستیم؛ هر چه ما انتخاب کنیم، درست است و چون ما این کار را می‌پسندیم، پس درست است.» این الگوی رایج در دموکراسی غربی است که محور عمل کرده‌ها را انسان می‌دانند. در مجالس قانون‌گذاری‌شان، وقتی قانون تصویب می‌کنند، کشتار و جنایت علیه دیگران را به‌راحتی می‌پذیرند، زیرا می‌گویند ما محوریت قانون را برعهده داریم، زیرا با رای مردم انتخاب شده‌ایم. به این ترتیب است که مجوز حمله به عراق و افغانستان و حمایت از جنایات رژیم غاصب صهیونیستی را در اختیار دارند. آنان با کدهای حقوق بشر و براساس منافع خودشان عمل می‌کنند؛ در صورتی که ما معتقدیم ارزش‌های حقیقی و فطری انسان باید با محوریت ارزش‌های الهی هماهنگ باشد، نه براساس هواهای نفسانی یک عده از انسان‌ها.

بنابراین، مبنای نظام جمهوری اسلامی، به همان معنای حضور توده مردم و مشارکت آنان براساس قوانین اسلامی است. همان‌گونه که اساس نظام جمهوری سوسیالیستی در شوروی سابق و اروپای شرقی بر حضور و مشارکت مردم با ایدئولوژی سوسیالیستی بود و در غرب، نشانه حضور مردم با ایدئولوژی لیبرالیستی تعریف می‌شد. نظام جمهوری اسلامی نیز همراه با ایدئولوژی و قوانین اسلامی تبیین می‌شود.

### نود و هشت و دو دهم درصد از جمعیت ایران مشتمل بر همه اقوام و اقلشار و حتی اقلیت‌های مذهبی با رای قاطع خود به جمهوری اسلامی، «آری» گفتند. جایگاه اقلیت‌های مذهبی چگونه قابل تبیین است؟

ما الگویی از نظام حکومتی و سیاسی اسلام در اختیار داریم که از دوره پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> و از زمانی که آن حضرت در مدینه منوره، تشکیل حکومت دادند، موجود بوده است. به این صورت که اقلیت‌های قومی و مذهبی در این نظام مورد احترام هستند و نظام سیاسی اسلام نیز آزادی و فعالیت‌های اجتماعی و دینی آن‌ها را پذیرفته است. مشروط بر آن که علیه اسلام، حاکمیت اسلامی و مردم مسلمان که اکثریت هستند، توطئه نکنند. تاریخ اسلام گواه است که پیامبر<sup>(ص)</sup> در مدینه منوره تشکیل حکومت اسلامی می‌دهند، به‌طوری که اکثریت مردم آن شهر، مسلمان هستند. پیامبر خدا، حکومت را با حضور و مشارکت مردم و براساس قوانین الهی تشکیل می‌دهند، اما در همان شهر مدینه، عهدنامه و پیمان‌نامه‌هایی با قبایل یهودی می‌نویسند مبنی بر این که در مدینه زندگی کنند و به تجارت و اعمال عبادی خود بپردازند، ولی حق توطئه علیه مسلمانان را ندارند و زمانی هم که این قبایل عهدشان را شکستند و با مشرکان علیه مردم مدینه همکاری کردند، پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> نیز با آن‌ها برخورد کردند. انقلاب اسلامی که پیروز شد، ما اقلیت‌های دینی در کشورمان داشتیم و الان نیز هستیم. قانون اساسی ما با این که پشتوانه نظام جمهوری اسلامی است، برای اقلیت‌های مذهبی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است. مثلاً در کشور ما حدود بیست هزار یهودی زندگی می‌کنند، که در مجلس هم نماینده دارند. برخی از آن‌ها هم به نظام جمهوری اسلامی رای داده‌اند. بیش‌تر آن‌ها هم با حکومت ظالمانه شاهنشاهی مخالف بوده‌اند. این یقین را داشته باشید که آن‌ها حکومتی بهتر از رژیم

یهودی می‌خواهند تا در کنار مسلمانان با آزادی زندگی کنند. ویژگی مهم اسلام و انقلاب ما این بود که حقوق آن‌ها را در نظر گرفت و رعایت کرد. با این وجود، امروزه غربی‌ها و شرقی‌ها به ما اتهام می‌زنند که ایران ناقض حقوق بشر است؛ به دلیل این که اقلیت‌های مذهبی بعد از پیروزی انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران مورد توجه قرار نگرفته‌اند؛ درحالی‌که واقعیت برعکس این مدعاست؛ زیرا در کشوری مثل ایران با جمعیتی حدود ۷۰ میلیون، تنها بیست هزار یهودی زندگی می‌کنند که در مجلس هم نماینده دارند و مراسم مذهبی آن‌ها، آزادانه برگزار می‌شود و مثل سایر ایرانیان نیز آزادی اجتماعی دارند. حتی نماینده کلیمیان در مجلس اعلام کرد: ایران تنها کشوری است که در محاکم قضایی و باب اختلافاتی که در بین اقلیت کلیمی، رخ می‌دهد، قوانین حقوقی ما را رعایت می‌کند. این واقعیت به برکت وجود جمهوری اسلامی است. در صورتی که در دیگر کشورهای دنیا، این قدر به قوانین و حقوق مربوط به اقلیت‌ها اهمیت نمی‌دهند. در نظام جمهوری اسلامی ایران، اگر دو فرد کلیمی با هم اختلافی داشته باشند، و قوانین دینی مخصوص به آن مورد هم در دین‌شان موجود باشد، محاکم قضایی ما براساس قوانین خودشان، حکم صادر می‌کنند. اما شما می‌بینید که از شش میلیون جمعیت مسلمان در کشور فرانسه با بیش از ۶۰ میلیون نفر جمعیت (جمعیتی نزدیک به کشور ایران)، حتی یک نماینده از مسلمانان اجازه راه‌یابی به مجلس این کشور را ندارد و از آزادی‌های دینی و اجتماعی هم محروم هستند. ولی در ماده بیست چهارم توسعه کشور ما آمده است که اقلیت‌های دینی در ایران شامل کلیمیان، مسیحیان و زرتشتیان، هیاتی تشکیل دهند و پیشنهاداتی در باب سیاست‌های کلان نظام ارائه کنند. این به معنای آن است که ما تا این‌جا هم پیش آمده‌ایم و آنان را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی هم دخالت داده‌ایم. سیاست‌های کلان نظام اسلامی ما را براساس قانون اساسی، رهبر و ولی فقیه تعیین می‌کند. ما به اقلیت‌های دینی و مذهبی که شامل بیست هزار کلیمی، بیست تا سی هزار مسیحی و شصت تا هفتاد هزار زرتشتی هستند، اختیار داده‌ایم تا شورایی تشکیل دهند و پیشنهاداتی که درباره سیاست‌های کلان نظام دارند را ارائه کنند

به تعبیر لوک فری، وزیر آموزش و پرورش فرانسه، اگر ما اجازه بدهیم حجاب در فرانسه گسترش پیدا بکند، در آینده، اسلام سراسر اروپا را فرا خواهد گرفت





هیچ‌یک از نظام‌های سیاسی دنیا چنین شایستگی‌هایی برای فردی که می‌خواهد بر جامعه حکومت کند، قید نشده است. این موضوع تنها در حکومت اسلامی تحقق می‌یابد که هر فردی به‌خودی‌خود حق حاکمیت بر جامعه را ندارد؛ فردی که هم عالم و فقیه باتقوی و خودساخته باشد و هم با سیاست و مدبر باشد، می‌تواند در رأس حکومت قرار بگیرد. این الگوی نظام سیاسی را از اسلامی داریم که بر مبنای قرآن و عترت‌مان است. در این شرایط، مفهوم دموکراسی به معنای مشارکت مردم در نظام جمهوری اسلامی به گسترده‌ترین شکل تحقق پیدا کرده است؛ در حالی که در مدل‌های مختلف حکومتی می‌بینیم که در رأس آن‌ها صدر اعظم قرار دارد، مثل آلمان. کشورهایی دارای الگوی حکومتی پادشاهی و سلطنتی هستند مثل هلند، بلژیک و ژاپن. برخی هم رئیس‌جمهور دارند، مثل آمریکا که هر کدام الگوی خاصی در حکمرانی دارند. در انگلستان، حکومت پادشاهی و موروثی است، ولی ادعا می‌کنند که نظام حکومتی‌شان دموکراتیک است؛ یا در آمریکا هم که رئیس‌جمهور دارند و مدعی هستند که دموکراتیک‌اند؛ ولی در کشور ما که بر اساس مشارکت واقعی مردمی اداره می‌شود، از دید آنان، دموکراتیک نیست. اگر دموکراسی به همان معنایی است که انسان به‌جای خدا قرار بگیرد، ما افتخار می‌کنیم که این‌گونه نیستیم؛ اما اگر منظور، مشارکت و نقش‌آفرینی حقیقی مردم است، ما امروز بیش‌ترین مشارکت عمومی را داریم. سه دهه از انقلاب ما گذشته است و سی انتخابات را پشت سر گذاشته‌ایم، متوسط نرخ مشارکت مردم در این سی سال، با همه تبلیغات منفی رسانه‌ها علیه جامعه ما، ۶۳ درصد بوده است که بالاترین رکورد شرکت مردم در انتخابات محسوب می‌شود. در حالی که در کشورهای غربی و اروپایی، میزان مشارکت مردم اغلب زیر ۵۰ درصد است. حتی در سال ۱۳۸۴، بعد از برگزاری نهمین دوره ریاست‌جمهوری و انتخاب‌شدن دکتر احمدی‌نژاد که بالای ۶۵ درصد از مردم در آن شرکت داشتند - با توجه به بی‌اعتنایی مردم کشورهای غربی به انتخابات در کشورهای‌شان و پایین‌بودن میزان مشارکت آنان، بر خلاف حضور آزادانه و پرشور مردم کشور ما - جف هون، رئیس مجلس عوام انگلیس، اعلام کرد: «ما احتمالاً مجبور می‌شویم انتخابات را در انگلستان، اجباری کنیم؛ زیرا مردم و جوانان انگلستان، دیگر رغبتی برای مشارکت ندارند.» امروز حتی در برخی از کشورهای اروپایی مثل بلژیک، انتخابات اجباری است و هر کس در آن شرکت نکند، جریمه می‌شود. اما در کشور اسلامی ما هیچ‌گاه اجباری به شرکت در انتخابات وجود نداشته است و همه به اختیار خود و کاملاً آزادانه و داوطلبانه پای صندوق‌های رای می‌آیند. در کشور آمریکا طی چند سال گذشته، متوسط مشارکت مردم در انتخابات‌های مختلف کنگره، مجلس و یا ریاست‌جمهوری بین ۲۵ تا ۵۰ درصد بوده است؛ در حالی که میزان مشارکت در کشور ما بالای ۶۳ درصد برآورد می‌شود. این نشان‌دهنده حقیقی‌بودن مشارکت مردم است. امروز اگر در دیگر کشورها انتخابات برگزار شود، کشور ما درباره عدم شرکت مردم آن‌ها تبلیغ منفی نمی‌کند، ولی در کشور ما هنگام انتخابات، هجمه‌های شدید تبلیغاتی صورت می‌گیرد و سیصد خبرنگار از سراسر جهان به ایران می‌آیند تا با ایجاد شایعه و جنگ روانی و بزرگ‌کردن کاهی از مشکلات و کوچک‌کردن کوهی از عظمت‌ها، کاری کنند که روحیه امید و نشاط را از مردم بگیرند.

تأثیر رهبری انقلاب اسلامی از نظرات آنان (اقلیت‌های دینی و مذهبی کشور) استفاده کنند. آنان با برخورداری از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی می‌توانند به راحتی در کلیساها و کنیسه‌های‌شان مراسم عبادی انجام دهند. اما در کشورهای اروپایی و غربی که مدعی حقوق بشر هم هستند، میلیون‌ها مسلمان در آلمان، فرانسه و یا هر کدام از کشورهای اروپایی و آمریکایی زندگی می‌کنند، اما از جزئی‌ترین حقوق سیاسی و اجتماعی محروم هستند.

#### درباره ریشه و واضع جمهوری اسلامی توضیح بفرمایید.

شما اگر دیدگاه علما و مبارزات تاریخی‌شان درباره حکومت اسلامی را ببینید، درمی‌یابید که همه آن‌ها معتقد بودند که حکومت باید اسلامی باشد و فقیه جامع‌الشرایطی در رأس جامعه قرار بگیرد. علمای اسلام بالاتفاق بحث ولایت فقیه را مطرح کرده‌اند و این موضوع در طول تاریخ پرورده شد. هنر حضرت امام<sup>(ع)</sup> این بود که اندیشه‌های فقهای قبل از خود را احیا کردند و عنایت بخشیدند. اگر نگاهی به کتاب «اندیشه‌های سیاسی» مرحوم نراقی در دوران قاجاریه بیندازید، می‌بینید که ایشان معتقد به ولایت مطلقه فقیه است. پس بحث ولایت فقیه، موضوع تازه‌ای نبود که امام<sup>(ع)</sup> واضع و مبدع آن باشند، بلکه همه علما و فقها، بر اساس مبانی دینی، به ولایت فقیه اعتقاد داشته‌اند؛ ولی با زمینه تحقق مساعد نبوده و یا مبارزات‌شان به نتیجه نرسیده است. امام خمینی<sup>(ع)</sup>، معمار کبیر انقلاب اسلامی، توانستند اندیشه سیاسی به نام ولایت فقیه را احیا کنند و آن را در نظام انقلاب اسلامی تحقق ببخشند، به طوری که برای اداره جامعه اسلامی، فقیه جامع‌الشرایط حاکم باشد. آن هم نه هر فقیهی.

#### آیا مبحث ولایت فقیه متأثر از نظام جمهوری اسلامی است؟

جمهوری اسلامی، عنوان ساختار حکومتی ماست. در درون این نظام سیاسی، ولایت فقیه در رأس است و سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه نیز زیرمجموعه نظام جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند. این موارد از مولفه‌های نظام جمهوری اسلامی هستند. حال، وقتی قوانین اسلامی محقق و اجرا می‌شوند، نیاز به یک فقیه و عالم دینی احساس می‌شود که هم عادل باشد و هم سیاستمدار و مدیر و شجاع. امروز در

ایران ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را پیدا کرده است که نشان می‌دهد، ایران امروز، ایران زمان قاجاریه و پهلوی نیست که یا با قرارداد و امضا و یا با حمله نظامی توأم با ذلت و شکست، بتوانند بخشی از آن را جدا کنند



بی تردید تحلیل گران غربی به قدرت نظام جمهوری اسلامی واقفانند، ولی کوشیده‌اند توده مردم را علیه انقلاب و نظام ایران تحریک و به نوعی القا کنند که مردم ایران، به خصوص نسل جوان، از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی دل سرد شده‌اند. نظر شما در این باره چیست؟

بله؛ تعداد زیادی از اندیشمندان و متفکران غربی به این باور رسیده‌اند که نظام جمهوری اسلامی از چه قدرت و جایگاهی در سطح بین‌المللی برخوردار است. به همین خاطر، در جنبش‌های مردمی، چون این نقطه قوت حرکت‌های مردم ایران را شناخته‌اند، در عرصه تبلیغاتی و رسانه‌ای به دنبال تضعیف موقعیت آن هستند تا این مدل و الگوی ایران به سایر کشورها سرایت پیدا نکند و در ایران نیز تقویت نشود و از طرفی، برای مردم سراسر جهان هم کارایی نداشته باشد، که از مردم ایران و نظام سیاسی آن چیزی یاد بگیرند. در موضوع مشارکت‌های مردمی، سفرهایی که رهبر معظم انقلاب و رئیس‌جمهور کشورمان به استان‌های مختلف می‌روند، با استقبال گرم و پرشور مردمی روبه‌رو می‌شوند، که مصنوعی نیست، بلکه ابراز عشق و علاقه‌ای که نشان داده می‌شود، بیان‌گر این پیوند است. مقام معظم رهبری در آبان ۱۳۸۰ به اصفهان تشریف‌فرما شدند. یک خبرنگار آلمانی در وصف استقبال مردم اصفهان در میدان امام و خیابان‌های شهر از رهبر انقلاب، خبری به روزنامه خود ارسال کرد که به این مضمون تیتراژ شد: «گویی مسیحی، ظهور کرده است.» این خبرنگار تحت تاثیر این استقبال عظیم مردمی چنین اظهار نظری کرده بود.

ما هم مانند همه کشورهای دنیا مشکلاتی داریم، اما آن‌چه مردم ما به‌عنوان مشکلات خود مطرح می‌کنند، بیش‌تر نقد است به این‌که این دستگاه یا فلان مسؤول چرا فلان مشکل را دارد و باید حل بشود و این روال هم خوب است، زیرا انتقادات سالم، عالمانه و سازنده باید در جامعه توسعه پیدا کند، اما عده‌ای در حرکت رسانه‌ای و تبلیغاتی، نقد مردم را به نام نفی نظام تلقی می‌کنند و می‌گویند: «ببینید مردم ایران به اوضاع جامعه و مسائل اقتصادی یا فرهنگی کشور انتقاد دارند. پس این نشان می‌دهد که دیگر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند». در حالی که ما می‌گوییم مردمی که در روز ۲۲ بهمن هر سال راه‌پیمایی می‌کنند، در انتخابات مشارکت فعالانه‌ای دارند و به استقبال مقام معظم رهبری یا رئیس‌جمهورشان می‌آیند، این‌ها همه بدین معناست که ما این انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را قبول داریم، ولی انتقاداتی هم داریم تا فضای جامعه‌مان بهتر بشود. به همین خاطر باید بین نقد و نفی تفاوت قائل بشویم یا به تعبیر دیگر، در جامعه ما عده‌ای نق می‌زنند، عده‌ای نفی و عده‌ای دیگر نقد می‌کنند. افرادی که نق می‌زنند، طبیعت‌شان این‌گونه است و در هر حکومتی که باشند، باید نق بزنند. من فکر می‌کنم اگر حکومت امام زمان (عج) هم تشکیل بشود، باز این افراد نق می‌زنند، البته محدود هم هستند. قشری از افراد که نقد می‌کنند و نسبت به ایراداتی که در بخش‌های مختلف وجود دارد، انتقاد دارند اغلب بر دو دسته‌اند: گروهی که نقدشان عالمانه و سازنده است و مسؤولان باید از این نقدهای دل‌سوزانه استفاده کنند و برخی که نقد عالمانه‌ای ندارند و ایرادهای‌شان از سر بی‌اطلاعی است و اگر بدانند که انتقادشان عجولانه و از سر ناآگاهی بوده است، نظرشان برمی‌گردد. عده‌ای دیگر، که اقلیت هم هستند، کارشان نفی کردن است. این امر طبیعی است، زیرا آنان اصلاً انقلاب و نظام را از مبنا قبول ندارند. دیدگاه این افراد مربوط به امروز و دیروز نیست؛ همیشه بوده‌اند، از زمان پیامبر (ص) که ایشان دعوت به توحید و یکتاپرستی را آغاز کردند، عده‌ای مانند سلمان و مقداد بوده‌اند و عده‌ای هم علیه پیامبر اسلام شمشیر کشیدند. افراد نفی‌کننده، محدودند. برخی از آن‌ها از سر جهالت نافی هستند که اگر آگاه‌سازی اجتماعی و اطلاع‌رسانی

مناسبتی انجام بگیرد، نظرشان برمی‌گردد و برخی از آن‌ها نیز جاهل نیستند و به تعبیر قرآن «جاحدند»، نه این‌که ندانند، بلکه می‌دانند و مخالفت می‌کنند و عناد می‌ورزند. این گروه که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، منافع‌شان را از دست داده‌اند و نمی‌توانند هواهای نفسانی‌شان را ارضا کنند، با انقلاب دشمنی می‌کنند. به عبارت دیگر، این‌گونه بگوییم که ما در برابر پدیده‌های مختلف با پاسخ‌های چندگزینه‌ای روبه‌رو هستیم که می‌توانیم: مخالف، موافق، مدافع و یا بی‌تفاوت باشیم. حالا به چه صورت تصمیم می‌گیریم و کدام‌یک از این گزینه‌ها را انتخاب می‌کنیم، به سطح آگاهی و شناخت ما نسبت به اوضاع جامعه مربوط می‌شود. اگر انتخاب ما آگاهانه و عالمانه باشد، به‌طور حتم در موضع‌گیری ما اثر گذار خواهد بود، اما بعضی وقت‌ها اگر مخالفت یا موافقت ما از سر ناآگاهی باشد، گزینه درستی را انتخاب نمی‌کنیم. مثلاً در تخت جمشید سه تیپ آدم به آن محل می‌روند: گروهی آن‌جا روی سنگ‌ها یادگاری می‌نویسند، برخی دیگر از آثار باستانی و تاریخی آن‌جا عکس و فیلم می‌گیرند و فالوده شیرازی هم می‌خورند و هدف خاصی ندارند و برخی دیگر هم در گرما کلاه حصیری بر سر می‌گذارند، و پای ستون‌ها می‌ایستند و آن آثار را از جنبه‌های مختلف تجزیه و تحلیل می‌کنند. به‌راستی چرا باید در دیدار از پدیده واحدی مثل تخت جمشید سه دسته از افراد را ببینیم؟ این تفاوت‌ها براساس میزان آگاهی و شناخت است. اگر کسی اطلاعات مردم‌شناسی یا جامعه‌شناسی داشته باشد، به‌دنبال شناخت تاریخی و هستی‌شناسانه این اثر است؛ ولی اگر کسی شناخت نداشته باشد، روی آن‌ها یادگاری می‌نویسد و گذرا نگاهی می‌اندازد و به‌دنبال کار خود می‌رود. اگر در ورودی تخت جمشید، فرم نظرخواهی به بازدیدکنندگان بدهند، فردی که نتوانسته بفهمد این اثر چیست؛ ممکن است درباره آن‌جا نظر مخالف هم بدهد که چرا این قدر پول خرج این ستون‌ها و سنگ‌شکسته‌ها می‌کنید. اما شخصی که در این زمینه اطلاعات کافی دارد، گزینه موافق و مخالف را به‌درستی انتخاب می‌کند و معتقد است که از این آثار باید بیش‌تر مراقبت شود. پس ما همواره براساس میزان آگاهی‌مان تصمیم می‌گیریم. به‌رغم ورود به دهه چهارم انقلاب، هنوز

تاریخ معاصر صد ساله ما نشان می‌دهد تمام جنبش‌ها و مبارزاتی که هم علیه استبداد داخلی و هم استعمار خارجی برپا شده‌اند، دو ویژگی مهم دارند: هم از پایگاه و خاستگاه دینی نشأت گرفته‌اند و هم رهبری علما و روحانیان آغاز شده‌اند



نماینده کلیمیان در مجلس اعلام کرد: ایران تنها کشوری است که در محاکم قضایی و باب اختلافاتی که در بین اقلیت کلیمی، رخ می‌دهد، قوانین حقوقی ما را رعایت می‌کند

دستاوردها و عظمت‌های سه دهه قبل برای مردم و به‌ویژه برای نسل جوان کشور، به‌خوبی بیان نشده است؛ در حالی که دشمنان انقلاب با ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای خود به‌راحتی موفقیت‌های انقلاب اسلامی را زیر سوال می‌برند و اوضاع کشور را با دروغ و تزویر، بحرانی نشان می‌دهند تا نگذارند این حرکت ادامه پیدا کند.

### در مورد پیوستگی مردم‌سالاری دینی و مولفه‌های جمهوری اسلامی توضیح بفرمایید.

دو نکته اصلی در نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد: اول مشروعیت اسلامی و دوم مقبولیت مردمی. یعنی حضور خدا و حضور مردم. برای همین است که جمهوری اسلامی، جمهور مردم قلمداد می‌شود. اگر بخواهیم مردم‌سالاری دینی را تبیین کنیم، باید توجه کنیم که مبنای آن هم بر همین اصل استوار است. مردم‌سالاری، جمهوریت و گرایش دینی آن هم وابسته به اصول اسلامی و ارزش‌های نهفته دینی آن است. خداوند در آیه ۶۲ سوره مبارکه انفال خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین... ای پیامبر خداوند تو را یاری می‌کند به نصرت خودش و یاری مومنان.» و در آیه ۶۴ همان سوره به نبی اکرم می‌فرماید: «یا ایها النبی، حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین... ای پیامبر، برای تو کافی است خدا و مومنینی که از تو تبعیت کنند.» در این دو آیه می‌بینیم که خدا و مردم در کنار هم هستند. خداوند به پیامبرش می‌فرماید در مدینه حکومت اسلامی تشکیل بده و اگر می‌خواهی حکومت موفق باشی، به یاری من نیاز داری و هم‌چنین به یاری مومنین و مردم. در این‌جا خداوند به حضور مردم مومن تأکید دارد.

### علل شکل‌گیری حزب جمهوری اسلامی بر اساس چه نظریه‌ای بوده است؟

یکی از نکاتی که نظام‌های جمهوری با مشارکت‌های مردمی یا می‌گیرند، آن است که احزاب و تشکلهای سیاسی در شرایط مساعد ظهور و بروز پیدا می‌کنند. واژه «حزب»، یعنی جمعی از افراد که فعالیت گروهی می‌کنند. در تعابیر قرآن هم اصطلاح «حزب» با تعبیر حزب‌الله و حزب شیطان بیان شده است. در نظام‌هایی که حضور و مشارکت مردمی بر آن حاکم است و استبدادی نیستند، یکی از شرایط آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، تشکیل گروه‌ها، انجمن‌ها و احزاب است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اصل ۲۶ قانون اساسی کشورمان به این موضوع پرداخته شده است. بر این اساس، احزاب در درون نظام جمهوری اسلامی تشکیل شدند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها حزب جمهوری اسلامی است. این تشکل اولین حزبی بود که بعد از انقلاب تأسیس شد و با حمایت حضرت امام (ره) و تلاش‌های شهید دکتر بهشتی، مقام معظم رهبری، شهید باهنر، شهید مطهری و آیت‌الله موسوی اردبیلی به فعالیت خود ادامه داد. بعدها ابتدا شهید بهشتی مسؤولیت دبیر کلی حزب را عهده‌دار شدند و بعد از شهادت ایشان، شهید باهنر و بعد از شهادت ایشان هم رهبر معظم انقلاب. به‌مرور زمان، اختلافاتی در گرایش‌های افراد حزب ایجاد شد و از طرفی هم به‌علت مشغله‌های مختلف مسؤولان حزب در دوره جنگ و فعالیت‌های کشوری، زمینه فعالیت‌های حزبی تا حدودی محدود شد. رهبران حزب هم مثل رهبر معظم انقلاب که در آن دوران به ریاست جمهوری برگزیده شدند و دوره جنگ و دفاع مقدس هم بود، فرصت کمی برای فعالیت‌های حزبی داشتند. بنابراین، از حضرت امام خمینی (ره) درخواست کردند که با اجازه ایشان حزب را تعطیل کنند. در واقع، واژه حزب جمهوری با نظام جمهوری اسلامی فرق دارد. در راستای تحقق بیش‌تر جمهوری اسلامی، حزب جمهوری در دوران نظام تشکیل شد. بد نیست بدانیم که قبل از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۳، دو حزب «ایران نوین» و «مردم» به رهبری هویدا و اسدالله علم را داشتیم. دو حزب دولت‌ساخته و شاه‌ساخته، در سال ۱۳۵۳، که شاه هر دو حزب را

منحل کرد و به هیچ حزب دیگری به جز حزب «رستاخیز» در ایران اجازه فعالیت نداد. هویدا را نیز که نخست‌وزیرش بود، به دبیر کلی آن گماشت. به مردم هم گفت که همه باید عضو این حزب شوند. در ۱۱ اسفند ۱۳۵۳، شاه در اعلام تأسیس حزب رستاخیز که تنها حزب کشور بود، این‌گونه گفت: «کسی که وارد این حزب سیاسی جدید نشود یا فردی است که به یک سازمان غیر قانونی تعلق دارد یا به حزب غیر قانونی توده وابسته است و به‌عبارت دیگر یک خائن است. چنین فردی یا جایش در زندان‌های ایران است و یا اگر مایل باشد، می‌تواند همین فردا کشور را ترک کند، زیرا او ایرانی نیست، وطن ندارد و فعالیت‌هایش غیر قانونی است و براساس قانون می‌توان او را مجازات کرد.» او اعتقاد داشت که همه مردم باید عضو حزب رستاخیز بشوند و گرنه یا پاسپورت بگیرند و از ایران بیرون بروند و یا جای‌شان در زندان‌هاست. در صورتی که ما بعد از انقلاب طبق اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی، آزادی احزاب و تشکلهای را داریم و امروز، ۲۸ حزب و تشکل در کشور جواز فعالیت گرفته‌اند و ۷۳ تشکل اقلیت‌های مذهبی زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان را داریم.

### کنفرانس گوادالوپ از جمله شبهاتی است که نویسندگان پهلوی، آن را خیلی بزرگ کرده‌اند. در این باره توضیح دهید.

در ماه‌های پایانی عمر رژیم پهلوی، دولت‌های آمریکا، انگلستان و فرانسه وقتی دیدند که دیگر امکان حفظ حکومت پهلوی در ایران نیست، در جزیره گوادالوپ در حاشیه کشور فرانسه کنفرانسی تشکیل دادند و تصمیم گرفتند که تقریباً مدلی مثل کودتای ۲۸ مرداد را دوباره در ایران اجرا کنند. از این‌رو، شرایط ما در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را بررسی کردند و علل شکست مصدق را که عضو جبهه ملی بود، مورد مطالعه قرار دادند. بعد روزولت از طرف سازمان سیا به ایران آمد تا هماهنگی‌های مربوط به کودتا را انجام بدهد. شاه روز ۲۵ مرداد از ایران فرار کرد و به آمریکا رفت و سرانجام روز ۲۸ مرداد، کودتا شکل گرفت و شاه به ایران بازگشت. در سال ۱۳۵۷ وقتی دیدند که امیدی به شاه نیست، کوشیدند تاریخ را دوباره تکرار کنند. لذا، بختیار از جبهه ملی را که موقی مخالف شاه بود، برای نخست‌وزیری برگزیدند. ژنرال هایزر آمریکایی از طرف نیروهای ناتو به ایران سفر کرد تا ارتش را برای کودتا مهیا کند. شاه در روز ۲۶ دی‌ماه از ایران رفت. اگر چه در سال ۱۳۳۲، کودتا عملی شده؛ اما در سال ۱۳۵۷، از همان آغاز، خود را با شکست روبه‌رو دیدند. زیرا روز ۲۱ بهمن، بختیار حکومت نظامی اعلام کرد و گفت که هیچ‌کس حق خروج از خانه‌اش را ندارد. او می‌خواست به این ترتیب، به کمک ارتش و ژنرال‌های آمریکایی، کودتایی را راه بیندازد و بسیاری را به شهادت برساند. مثلاً می‌خواستند منزل امام خمینی (ره) را بمباران کنند. ولی امام خمینی (ره) در پیامی دو، سه خطی اعلام کردند که مردم توجهی به حکومت نظامی نکنند و به خیابان‌ها بریزند. با آمدن مردم به خیابان‌ها و تصرف پاسگاه‌های نظامی و رادیو تلویزیون و... نقشه آن‌ها نقش بر آب شد. روز ۲۲ بهمن همه دستگیر شدند و انقلاب به ثمر رسید. امام (ره) مردم را آگاه ساختند که دشمنان در کمین هستند و می‌خواهند مسیر انقلاب را تغییر بدهند. هوشیاری حضرت امام (ره) و فداکاری و شهادت مردم، عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی بود.

### به نظر شما چه استراتژی و راه‌کارهایی لازم است تا نظام جمهوری اسلامی را، که با خون هزاران شهید تثبیت شده است، به انقلاب حضرت مهدی (عج) متصل کنیم؟

خوب است که در این‌جا جمله‌ای از حضرت امام (ره) را بیان کنم، زیرا ایشان هم معمار انقلاب هستند و هم معیار انقلاب. ایشان در وصیت‌نامه‌شان و در جاهای دیگر، گفته‌اند که بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده هم در تاریخ خواهند خواند که دو رکن



مهم که به منزله آیه و نشانه هستند و راه را مثل مشعل نشان می‌دهند، باید به‌خوبی حفظ و یادآوری شوند. اما اگر فقط به مناسبت‌ها اکتفا کنیم، قطعاً پاسخ نمی‌دهد.

ایران همیشه در طول تاریخ، تمدن‌ساز بوده است. هر چه به جلو آمدیم، دانشمندان بزرگی چون ابن‌سینا و صاحب‌بن‌عباد، داشته‌ایم. ویل دورانت، مورخ آمریکایی درباره او می‌گوید: «زمانی که صاحب‌بن‌عباد به سمت اصفهان می‌آمد، هفتاد شتر کتاب همراهش بود. در آن زمان اگر کل کتاب‌های اروپا را جمع می‌کردیم، به اندازه کتاب‌های صاحب‌بن‌عباد نمی‌شد». جلوتر که می‌آییم در دوران صفویه، حضور علما و بزرگان نام‌داری را در این زمان شاهدیم که مینا و مولفه‌های تمدن جدیدی را پی‌ریزی کردند. این‌ها وقایع و دانشمندان زمانه‌ای بودند که آمریکا تازه شکل گرفته بود و اروپا هم چنین علم و دانشی نداشت و تازه از قرون وسطی خارج شده بود. در دوران قاجاری و پهلوی، انحطاط بزرگی به‌واسطه پادشاهان نالایق و تسلط روسیه، انگلیس و آمریکا، ایران را فرامی‌گیرد تا این‌که انقلاب اسلامی رخ می‌دهد که خود آغاز یک تاریخ و تمدن جدید است و به‌منزله الگویی برای تمام جهانیان. انقلاب اسلامی، احیاگر اسلام و ارزش‌های دینی بود. حال، اگر می‌خواهیم انقلاب اسلامی را برای نسلی که آن را ندیده است، معرفی کنیم، تنها نباید به مناسبت‌ها بپردازیم. البته مناسبت‌هایی مثل «دهه فجر»، ایامی هستند که علم و نشانه محسوب می‌شوند و باید از هر لحاظ حفظ شوند. ■

اصلی آن، انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور است. همان دو اصلی که ما را در انقلاب به پیروزی رساند و موجب حفظ و بقای انقلاب و این نظام شد. این دو اصل یکی انگیزه و مقصد الهی آن در حکومت اسلامی و یکی هم وحدت مردم در سراسر کشور است و ما امروز در حرکت ناتوی فرهنگی دشمن و تهاجم سیاسی و فرهنگی آن‌ها می‌بینیم که به این دو اصل و محور حمله کرده‌اند. آنان هم می‌خواهند وحدت ملی ما را بگیرند، و هم انگیزه الهی و اعتقاد الهی و ولایت فقیه را می‌خواهند در جامعه تضعیف بکنند. امام (ره) در این باره فرموده‌اند: «این دو اصل، ما را پیروز کرد و همین دو اصل می‌تواند ما را هم پیش ببرد و به موفقیت برساند.»

**آیا برگزاری مراسم‌های مختلف برای پاس‌داشت انقلاب اسلامی تا به حال توانسته است در معرفی این پدیده بزرگ قرن به نسل‌های بعد از انقلاب موثر باشد، یا دچار تکرار شده‌ایم؟**

این‌ها روزهای ملی و بزرگ تاریخ ما هستند و باید در حفظ آن‌ها کوشید. اما اگر تنها به این مقاطع بسنده کنیم، به‌طور حتم جواب نمی‌دهد و به اهداف مورد نظرمان نمی‌رسیم. بنابراین، کاری همیشگی و درازمدت و به‌روز می‌طلبد. با این حال، درباره روزهایی هم‌چون این ایام در سوره حضرت ابراهیم چنین آمده است که خداوند تبارک و تعالی به حضرت موسی می‌فرماید: «مرتب روزهای الهی (پیروزی حق بر باطل) را یادآوری کن». یعنی مقاطع

یک خبرنگار آلمانی در وصف استقبال مردم اصفهان در میدان امام و خیابان‌های شهر از رهبر انقلاب، خبری به روزنامه خود ارسال کرد که به این مضمون تیتراژ شد: «گویی مسیحی، ظهور کرده است». این خبرنگار تحت تاثیر این استقبال عظیم مردمی چنین اظهار نظری کرده بود.